

ساختار کتاب

کتاب شب امتحان عربی زبان قرآن (۱) دهم از ۴ قسمت اصلی تشکیل شده است که به صورت زیر است:

۱- آزمون‌های نوبت اول: آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:
الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.
ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمون‌های را که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.

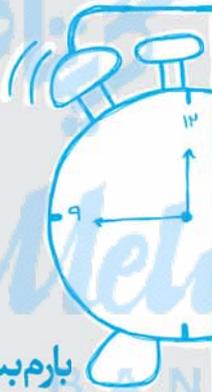
۲- آزمون‌های نوبت دوم: آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال معلمان مواجه خواهید شد.

۳- پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها: در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

۴- درس‌نامه کامل شب امتحانی: این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند! در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی زبان قرآن (۱) نیاز دارید، تنها در ۱۸ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!



فهرست

بازم‌بندی درس عربی زبان قرآن (۱)

نوبت اول	نوبت دوم	مهارت‌های زبانی
نمره ۲	نوبت دوم	مهارت واژه‌شناسی
نمره ۷	نمره ۷	مهارت ترجمه به فارسی
نمره ۷/۵	نمره ۷/۵	مهارت شناخت و کاربرد قواعد
نمره ۲	نمره ۲	مهارت درک و فهم
نمره ۱/۵	نمره ۱/۵	مهارت مکالمه
نمره ۲۰	نمره ۲۰	جمع

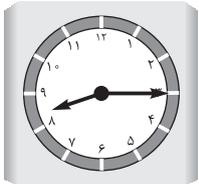
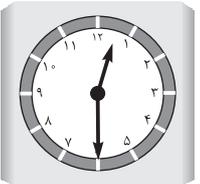
شماره صفحه	نوبت	آزمون پاسخ‌نامه
۳۷	اول	آزمون شماره ۱ (طبقه‌بندی شده)
۳۸	اول	آزمون شماره ۲ (طبقه‌بندی شده)
۳۹	اول	آزمون شماره ۳ (طبقه‌بندی نشده)
۳۹	اول	آزمون شماره ۴ (طبقه‌بندی نشده)
۴۰	دوم	آزمون شماره ۵ (طبقه‌بندی شده)
۴۱	دوم	آزمون شماره ۶ (طبقه‌بندی شده)
۴۲	دوم	آزمون شماره ۷ (طبقه‌بندی شده)
۴۲	دوم	آزمون شماره ۸ (طبقه‌بندی شده)
۴۳	دوم	آزمون شماره ۹ (طبقه‌بندی نشده)
۴۴	دوم	آزمون شماره ۱۰ (طبقه‌بندی نشده)
۴۵	دوم	آزمون شماره ۱۱ (طبقه‌بندی نشده)
۴۵	دوم	آزمون شماره ۱۲ (طبقه‌بندی نشده)
۴۷		درس‌نامه توپ برای شب امتحان

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی زبان قرآن (۱)	
نمره	آزمون شماره ۱			ردیف	
	درس اول				
۰/۲۵	هر کلمه با کلمه دیگر ممکن است متفاوت باشد ولی متضاد نباشد، متضاد یعنی کلماتی که از نظر معنا قابل جمع نیستند؛ بنابراین به معنای واژگان توجه کنید تا مترادف و متضاد را بشناسید.	<input type="checkbox"/> أَصْعَدَ <input type="checkbox"/> أَنْزَلَ	<input type="checkbox"/> أَنْزَلَ <input type="checkbox"/> أَصْعَدَ	۱ عَيْنَ مَا طَلَبَ مِنْكَ. رَفَعَ (المتضاد):	۱
۰/۵				۲ للترجمة: وَ انظُرْ إِلَى الغيمِ فَمَنْ / أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ	۲
۰/۷۵	سعی کنید اگر جمله فعل دارد ابتدا بروید به سراغ فعل، و آن را از نظر نوع و هیفه بررسی کنید و به پاسخ درست برسید.	(۲) آن همان خداست که / نعمت‌هایش بریزان است	۳ إِنْتَخَبَ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ. (الف) ذَاكَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي / أَنْعَمَهُ مُنْهَمِرَةً (۱) او تنها خداست که / نعمت خود را فرو می‌ریزد (ب) «إِزْحَمَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ» (۱) به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند. (۲) به کسانی که در زمین هستند رحم کنید تا کسی که در آسمان است با شما مهربان باشد. (ج) قَامَ أَخِي مِنَ التَّوَمِ فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ إِلَّا رُبْعًا. (۱) برادرم در ساعت شش و ربع از خواب برخاست. (۲) برادرم در ساعت یک ربع به شش از خواب برخاست.	۴ إِمْلَأِ الْفَرَاغَ. يَا أُخْتِي، مَا مِهْنَتُكَ؟ مُمَرَّضَةٌ. (هي - أنت - أنا)	۳
۰/۲۵				۵ أَرَسُمُ عَقَارِبِ السَّاعَةِ. (الف)	۴
۰/۵		(ب)	(الف)	(الف) الزَّابِعَةُ وَالرُّبْعُ (ب) التَّاسِعَةُ إِلَّا رُبْعًا	۵
	درس دوم				
۰/۵				۶ إِنْتَخَبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ لِلْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ. (الف) الْأَعْرَابُ يَعِيْشُ ثَلَاثِينَ سَنَةً أَوْ أَكْثَرَ. (ب) طُولُ قَامَةِ الزَّرَافَةِ سِتَّةُ أَمْتَارٍ. (سه - سی - سیزده) (هشت - شش - نه)	۶
۱	<input type="checkbox"/> تَهَائِمُ <input type="checkbox"/> سَمَاءُ <input type="checkbox"/> مُوَاطِنُ <input type="checkbox"/> أَخْلَصُ	<input type="checkbox"/> أَشْجَارُ <input type="checkbox"/> زَمِيلُ <input type="checkbox"/> مُسْتَشْفَى <input type="checkbox"/> غَرَسَ	<input type="checkbox"/> طَيِّبُورُ <input type="checkbox"/> تَلْجُ <input type="checkbox"/> مَكْتَبَةُ <input type="checkbox"/> أَجْرَى	۷ عَيْنِ الْكَلِمَةِ الَّتِي لَا تَنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى. <input type="checkbox"/> تَبَاتَاتُ <input type="checkbox"/> مَطَرُ <input type="checkbox"/> مُتَخَبِرُ <input type="checkbox"/> بَنَى	۷
۰/۲۵		<input type="checkbox"/> بَيْتَاتُ <input type="checkbox"/> بَيْتُونَ		۸ عَيْنَ مَا طَلَبَ مِنْكَ. بَيْتَةَ (الجمع):	۸
۲	تقریباً دو سوم پرسش‌های امتحان مربوط می‌شود به سؤال‌های ترجمه، بنابراین هر کس ترجمه بیشتر می‌داند به دو سوم نمره یعنی حدود ۱۳ نزدیک تر است! یادتان باشد سعی کنید ترجمه واژگان را از فوآندن جمله و متن یاد بگیرید و از حفظ کردن واژگان به تنهایی بپرهیزید.			۹ للترجمة: (الف) «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا» (ب) «كُلُّوْا جَمِيْعًا وَلَا تَفْرَقُوْا فَإِنَّ الْبِرَّكَهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ» (ج) «وَجَاءَ إِخْوَةُ بُوسُفَ فَدَخَلُوْا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ» (د) «رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي»	۹

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی زبان قرآن (۱)	ردیف
نمره	نوبت اول پایه دهم دوره متوسطه دوم	آزمون شماره ۱			
۰/۲۵				<p>انتخب الترجمة الصحيحة.</p> <p>﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ﴾</p> <p>(۱) خداوند نسبت به همه آن چه که در دل هایتان است می‌داند.</p> <p>(۲) و بدانید که خداوند آن چه را که در دل هایتان است می‌داند.</p>	۱۰
۰/۵				<p>كَمَلِ التَّرْجُمَةَ.</p> <p>قَامَ الْفَائِزُونَ بِاسْتِلَامِ جَوَائِزِهِمْ.</p> <p>«برنده‌ها به جایزه‌هایشان»</p>	۱۱
۰/۲۵				<p>إِمْلَأِ الْفَرَاغَ.</p> <p>لي عشرَ تمثالاً.</p> <p>(سِتّ - ستّة - سادس)</p>	۱۲
۱	<p>فهار عمل اصلی (ضرب، تقسیم، منوا، به اضافه) را خوب در قاطر داشته باشید.</p> <p>ضرب (فی)، تقسیم، ناقص، زائد</p>			<p>أَكْتُبْ عَنِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ بِالْأَرْقَامِ.</p> <p>(الف) سِتَّةٌ فِي أَحَدٍ عَشَرَ يُسَاوِي سِتَّةً وَ سَتِينَ.</p> <p>(ب) مِثَّةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي خَمْسَةً وَ عَشْرِينَ.</p>	۱۳
۱				<p>صَغُ فِي الْمَرْبَعِ الْعِدَدِ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»</p> <p>(۱) الهاتف</p> <p>(۲) البداية</p> <p>(۳) المستنقعات</p> <p>(۴) النشاط</p> <p>(۵) سمك القرش</p> <p><input type="checkbox"/> مياؤها ذات راحة كريهة.</p> <p><input type="checkbox"/> عدو الدلافين.</p> <p><input type="checkbox"/> آلة لنقل الأصوات من مكان إلى آخر.</p> <p><input type="checkbox"/> القيام بعمل يتحرك و سرعة.</p>	۱۴
۰/۲۵				<p>أَكْتُبْ تَرْجُمَةَ مَا أُشِيرُ إِلَيْهِ بِخَطِّ.</p> <p>إِنَّ نَزُولَ الْمَطْرِ وَ التَّلْحِجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ.</p>	۱۵
۰/۲۵				<p>عَيِّنْ مَا طَلَّبَ مِنْكَ.</p> <p>حَفَلَةٌ (المترادف):</p> <p><input type="checkbox"/> حجرة</p> <p><input type="checkbox"/> المهرجان</p>	۱۶
۱/۵				<p>لِلتَّرْجُمَةِ:</p> <p>(الف) «فَاسْتَعْفَرُوا لِدُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرِ الدُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ»</p> <p>(ب) أَنْظِرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.</p> <p>(ج) إِنَّ هَذَا الْإِعْصَارَ يَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ.</p>	۱۷
۰/۵				<p>كَمَلِ التَّرْجُمَةَ.</p> <p>يَحْتَنَلُ النَّاسُ فِي الْبِلَادِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا.</p> <p>«مردم در این روز را سالانه»</p>	۱۸
۰/۲۵				<p>عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرَ الصَّحِيحَةَ حَسَبِ الْوَاقِعِ وَ الْحَقِيقَةِ.</p> <p>يَحْتَنَلُ الْإِيرَانِيِّونَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الْقَمَرِيَّةِ.</p>	۱۹
۰/۲۵				<p>إِمْلَأِ الْفَرَاغَ.</p> <p>رَجَاءٌ جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ.</p> <p>(إِجْعَلُوا - جَعَلُوا - لَا تَجْعَلْ)</p>	۲۰
۱	<p>فعل‌های ثلاثی مزید و مصدر آن‌ها را به ترتیب یاد بگیرد (۱) ماضی، (۲) مضارع، (۳) امر، (۴) مصدر</p>			<p>إِنْتِخِبْ لِلْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.</p> <p>(الف) الْمَصْدَرُ مِنْ «إِسْتَعْلَمَ»:</p> <p>(ب) النَّهْيُ مِنْ «تَتَعَلَّمُونَ»:</p> <p>(ج) الْمُسْتَقْبَلُ مِنْ «يَيْتَسِمَانُ»:</p> <p>(د) الْأَمْرُ مِنْ «تَغْسِلُنَّ»:</p> <p><input type="checkbox"/> إعلام</p> <p><input type="checkbox"/> استعلام</p> <p><input type="checkbox"/> لا تتعلمون</p> <p><input type="checkbox"/> لا تتعلموا</p> <p><input type="checkbox"/> سوف ييتسمان</p> <p><input type="checkbox"/> سييتسما</p> <p><input type="checkbox"/> اغسلوا</p> <p><input type="checkbox"/> اغسلن</p>	۲۱

ردیف	آزمون شماره ۱	نوبت اول پایه دهم دوره متوسطه دوم	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی زبان قرآن (۱)	kheilisabz.com	کتابخانه
۲۲	<p>إقرأ النَّصَّ ثمَّ أجب عن الأسئلة.</p> <p>«تحدّث هذه الظّاهرة مرّتين في السنّة أحياناً. فيلاحظ النَّاسُ غيمهً سوداءً عظيمةً و رعداً و برقاً و رياحاً قويّةً و مطراً شديداً لمُدّة ساعتين أو أكثر ثمَّ تُصيحُّ الأرضُ مفروشةً بالأسماكِ فَيأخذُها النَّاسُ لِطَبخِها و تناوُلِها.»</p> <p>الف) كيف تُصيحُّ الأرضُ؟</p> <p>ب) كم مرّة تحدّث هذه الظّاهرة؟</p> <p>ج) ماذا يأخذُ النَّاسُ؟</p> <p>د) ماذا يلاحظُ النَّاسُ؟</p> <p>ه) كم فعلاً مُضارعاً في النَّصِّ؟</p>	<p>اول سؤال ها را یکی یکی بفوانید و سپس بروید به سراغ متن و پاسخ را در آن پیدا کنید. قطعاً یک یا دو کلمه از سؤال در متن تکرار شده است.</p>	۲/۵	۲۲	درس چهارم		
۲۳	<p>أكتب ترجمة ما أشير إليه بخطّ.</p> <p>يَدْعُو إلى التَّفْرِقَةِ فَهُوَ عَمِيلُ العَدُوِّ.</p>	۰/۲۵	۲۳				
۲۴	<p>عيّن ما طَلِبَ منك.</p> <p>سَبِّ (بالفارسيّة):</p>	<p><input type="checkbox"/> رعایت کرد</p> <p><input type="checkbox"/> دشنام داد</p>	۰/۲۵	۲۴			
۲۵	<p>للتّرجمة:</p> <p>الف) «و لقد أرسلنا موسى بآياتنا أنْ أخرج قومك من الظّلماتِ إلى النّورِ»</p> <p>ب) على كُلِّ النَّاسِ أنْ يتعاشروا مع بعضهم تعاشراً سَلَمياً.</p>	۱	۲۵				
۲۶	<p>كَمَل التّرجمه.</p> <p>الف) يُحاولُ العَدُوُّ إيجادَ التّفْرِقَةِ بينَ صُفوفِ المُسلمينَ.</p> <p>«دشمن که میان صفوف مسلمانان ایجاد کند.»</p> <p>ب) «أحسِنَ كما أحسنَ اللهُ إليك»</p> <p>«نیکی کن که خداوند نیکی کرده است.»</p>	۱	۲۶				
۲۷	<p>عيّن الجملة الصّحيحة و غير الصّحيحة حسب الواقع و الحقيقة.</p> <p>ثُلثُ سَكّانِ العالمِ من المُسلمينَ.</p>	۰/۲۵	۲۷				
۲۸	<p>إملاً الفراغ.</p> <p>«..... اتّحادُ الأُمّةِ الإسلاميّةِ في صُورٍ كثيرةٍ.»</p> <p>(تتجلّى - يتجلّى - يتجلّون)</p>	<p>مواظب فاعل در جمله باشید. اگر مذکر بیاید فعل نیز مذکر می آید و اگر مؤنث بیاید فعل نیز مؤنث می آید.</p>	۰/۲۵	۲۸			
۲۹	<p>أكتب الفعل و المصدر المناسب للفراغ.</p> <p>الف) حاولتْ ← المصدر: الأمر: التّفني:</p> <p>ب) تتقاعدُ ← المصدر: الأمر: المستقبل:</p> <p>ج) قَبَلتْ ← المصدر: الأمر: التّفني:</p>	۱/۵	۲۹				
۲۰	جمع نمره	موفق باشید	۲۰				

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی زبان قرآن (۱)
نمره	نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم			ردیف
۰/۵	<p>مهارت واژه‌شناسی</p> <p>۱. اُكْتُبْ ترجمة ما أُشير إليه بخط.</p> <p>(الف) البَطُّ طائرٌ جميلٌ.</p> <p>(ب) أَلْعَلِمَ صَيْدٌ وَ الْكِتَابَةُ قَيْدٌ.</p>			۱
۰/۵	<p>۲. اِنتخبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ لِلْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ.</p> <p>(الف) يَصْنَعُ الْخَفَّاشُ وَكُنْهَ فِي جِدَارِ بَيْتٍ قَدِيمٍ. (لانه - پرواز - بال)</p> <p>(ب) أَذْهَبُ إِلَى مُوْظَفِ الْاِتِّصَالَاتِ. (مدیر - کارگر - کارمند)</p>			۲
۱	<p>۳. عَيْنِ مَا طُلِبَ مِنْكَ.</p> <p>(الف) شَرِيحَةٌ (بالفارسيَّة):</p> <p>(ب) أَرَادَ (المترادف):</p> <p>(ج) عَدَاةٌ (المتضاد):</p> <p>(د) أَحَبَّةٌ (المفرد):</p> <p><input type="checkbox"/> سيم کارت <input type="checkbox"/> بيادهرو</p> <p><input type="checkbox"/> شاء <input type="checkbox"/> سار</p> <p><input type="checkbox"/> عشاء <input type="checkbox"/> عشية</p> <p><input type="checkbox"/> حبيب <input type="checkbox"/> حبة</p>			۳
۱	<p>۴. عَيْنِ الْكَلِمَةِ الَّتِي لَا تَنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْاُخْرَى.</p> <p>(الف) <input type="checkbox"/> إِلَى <input type="checkbox"/> فِي <input type="checkbox"/> أَنْ <input type="checkbox"/> بِ</p> <p>(ب) <input type="checkbox"/> عَلَى <input type="checkbox"/> ثَمَّ <input type="checkbox"/> كَ <input type="checkbox"/> عَنِ</p> <p>(ج) <input type="checkbox"/> فَ <input type="checkbox"/> مِنْ <input type="checkbox"/> لِي <input type="checkbox"/> فِي</p> <p>(د) <input type="checkbox"/> وَ <input type="checkbox"/> فَ <input type="checkbox"/> ثَمَّ <input type="checkbox"/> إِلَى</p>			۴
۵	<p>مهارت ترجمه به فارسی</p> <p>۵. للترجمة:</p> <p>(الف) «و إِذَا سَأَلْتَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ»</p> <p>(ب) «فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظَلَّمُونَ شَيْئاً»</p> <p>(ج) «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ»</p> <p>(د) «عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا»</p> <p>(هـ) مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا / فِي الْجَوْثِ مِثْلَ الشَّرَّةِ.</p> <p>(و) عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ سِتَّةٌ: أَنَا وَ وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ.</p> <p>(ز) تَدِمَ أَخِي الصَّغِيرُ مِنْ عَمَلِهِ السَّيِّئِ وَ أَنَا عَذْرَتُهُ.</p> <p>(ح) إِنَّ لِسَانَ الْقَيْطِ سِلَاحٌ طَيِّبٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِعَدَدٍ تَفَرُّزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا.</p> <p>(ط) رَفَضَهَا ذُو الْقَرْنَيْنِ وَ قَالَ: عَطَاءُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ عَطَاءِ غَيْرِهِ.</p> <p>(ي) قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّ الدَّلَافِينَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمَّ.</p>			۵
۱	<p>۶. اِنتخبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ.</p> <p>(الف) نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى الْوَالِدِيَّةِ حُبًّا لِهَمَا عِبَادَةً.</p> <p>(۱) نگاه کردن فرزند به پدر و مادرش از روی عشق به آن‌ها عبادت است.</p> <p>(۲) نگاه کردن پدر و مادر به فرزند از روی عشق به او عبادت است.</p> <p>(ب) حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتَرُّ قُبْحَ النَّسَبِ.</p> <p>(۱) ادب نیکو نسب بد را می‌پوشاند.</p> <p>(۲) تربیت نیکو تربیت بد را می‌پوشاند.</p> <p>(ج) عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.</p> <p>(۱) دشمنی دانا از دوستی نادان بهتر است.</p> <p>(۲) دشمنی عاقلانه از دوستی احمقانه بهتر است.</p> <p>(د) سَحَبَ الْإِعْصَارُ الْأَشْيَاءَ الصَّغِيرَةَ إِلَى السَّمَاءِ.</p> <p>(۱) گردباد چیزهای کوچک را به آسمان پرت کرد.</p> <p>(۲) گردباد چیزهای کوچک را به آسمان کشید.</p>			۶

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی زبان قرآن (۱)
نمره	نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم			آزمون شماره ۹
۲	کَمَلِ التَّرْجِمَةَ. الف) رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى بِقُوَّةٍ. «ناگهان مرا» ب) «اللَّهُمَّ انْفَعِنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي.» «خدا یا نسبت به آن چه» ج) أُرِيدُ أَنْ أَشَاهِدَ فَلِمَا عِلْمِيًّا. «می خواهم که علمی» د) أَيُّهَا السَّائِقُ، تُرِيدُ أَنْ تَذْهَبَ إِلَى مَدِينَةِ كُوفَةَ. «ای، می خواهی به شهر کوفه»			۷
۰/۵	عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْوَاقِعِ وَالْحَقِيقَةِ. الف) يُصْنَعُ الْخُبْزُ مِنَ الْعَجِينِ. ب) أَلْتَّاسِبُ هُوَ الَّذِي مَا تَجَحَّ فِي الْامْتِحَانَاتِ.			۸
۱	مِهَارَتِ سَنَاخَتِ وَكَارِبَرْدِ قَوَاعِدِ إِمْلَأِ الْفَرَاغَ: الف) الْمَاضِي مِنْ «يُجَادِلُ»: (جَدَلٌ - جَادِلٌ - جَادِلٌ) ب) الْمَصْدَرُ مِنْ «تَقَاعَدَ»: (تَقَعُدٌ - تَقَاعُدٌ - إِقْعَادٌ) ج) النَّهْيُ مِنْ «تُقْبَلُنَ»: (لَا تُقْبَلُونَ - مَا قَبِلُوا) د) النَّفْيُ مِنْ «يَتَعَامَلُونَ»: (لَا يَتَعَامَلُونَ - لَا يَتَعَامَلُوا - لَا يَتَعَامَلُونَ)			۹
۲	أَكْتُبِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْفَرَاغِ. الف) تَعَلَّمُوا ← المضارع: المصدر: الترجمة: ب) لَا تَجْتَمِعْ ← الماضي: النهي: الأمر: ج) شَارَكَتْ ← المضارع: المصدر: الترجمة: د) عَلَّمَ ← الماضي: المضارع: النهي:			۱۰
۰/۵	عَيِّنِ فِعْلَ الْأَمْرِ وَالْفِعْلَانَ الْمَجْهُولَانَ وَالصَّمِيرَ الْمَتَّصِلَ فِي الْآيَتَيْنِ. الف) «خَلَقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» ب) «أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»			۱۱
۱	عَيِّنِ الْخَطَأَ. الف) إِزْحَمُونِي ← فعل امر <input type="checkbox"/> ب) لَا تُحَيِّرْنِي ← فعل نهی <input type="checkbox"/> ج) أَنْوَفَ ← مذكر <input type="checkbox"/> د) الْكَافِرِينَ ← جمع سالم <input type="checkbox"/> جمع مذكر <input type="checkbox"/> فعل ماضی <input type="checkbox"/> فعل مفرد <input type="checkbox"/> جمع مکسر <input type="checkbox"/> اسم مفعول <input type="checkbox"/> جمع مکسر <input type="checkbox"/> مذكر <input type="checkbox"/>			۱۲
۰/۵	أَكْتُبِ السَّاعَةَ بِالْعَرَبِيَّةِ.  (الف)  (ب)			۱۳

نمره	نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی زبان قرآن (۱)
۱				<p>مهارت درک و فهم</p> <p>صَحَّ فِي الْمَرِيحِ الْعَدَدُ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»</p> <p>(۱) الْوَكْرُ (۲) الْهَجْرُ (۳) الشَّمْسُ (۴) السَّوَارُ (۵) الْمَلِيحُ</p> <p>هو الَّذِي لَهُ حَرَكَاتٌ جَمِيلَةٌ وَ كَلَامٌ جَمِيلٌ. زِينَةٌ مِنَ الذَّهَبِ فِي يَدِ الْمَرْأَةِ. بَيْتُ الطَّيُورِ. ابْتِعَاذُ الصَّدِيقِ عَنِ صَدِيقِهِ أَوْ الزَّوْجِ عَنِ زَوْجَتِهِ.</p>
۲/۵				<p>إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ.</p> <p>«يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَأَى عَيْنَ الدَّلْفِينِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَانًا مِنَ الْغَرِقِ وَأَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ. لِأَنَّ الدَّلْفِينَ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحْرِ. لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ وَسَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ. وَزَنْهُ يَبْلُغُ ضِعْفَ وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيبًا وَهُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا.»</p> <p>الف) مَا هُوَ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحْرِ؟ ب) كَيْفَ سَمِعَ الدَّلْفِينِ؟ ج) مَاذَا يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ؟ د) كَمْ وَزْنُ الدَّلْفِينِ؟ هـ) عَيِّنْ إِعْرَابَ الْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ فِي الْعِبَارَةِ: «يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَأَى عَيْنَ الدَّلْفِينِ.»</p>
۲۰	جمع نمره	موفق باشيد		

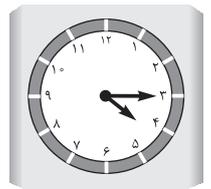


پاسخنامه تشریحی

آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

- ۱- گزینۀ (۲)؛ **إِعْلَمُوا**؛ فعل امر جمع مذکر مخاطب، بدانید / **أَنَّ**: که / **يَعْلَمُ**: فعل مضارع، می‌داند / ما: آن چه را که / **فِي**: در / **أَنْفُسِكُمْ**: دل‌هایتان
- ۱۱- برنده‌ها به دریافت جایزه‌هایشان اقدام کردند. / قام: ایستاد / قام به: اقدام کرد / استلام: دریافت کردن
- ۱۲- من شانزده (سِتَّةَ عَشَرَ) تندیس دارم.
- پرسشی**: یکان عدد ۱۳ تا ۱۹ از نظر جنس، مخالف معدود است و «مثلاً» مذکر است؛ بنابراین یکان آن مؤنث می‌آید «سِتَّة».
- ۱۳- الف) $6 \times 11 = 66$
ب) $100 \div 4 = 25$
- ۱۴- الف) **آلة** لنقل الأصوات من مكان إلى آخر (تلفن)
ب) البداية (آغازکردن) / این واژه اضافی است.
ج) **المُستنقعات** / مياهُها ذات رائحة كريهة (مرداب‌ها)
د) **النشاط** / القيام بعمل يتحرك و سرعة (فعالیت)
ه) **سمك القرش** / عَدُوُّ الدلافين (کوسه‌ماهی)
- ۱۵- قطعاً بارش باران و برف از آسمان چیزی طبیعی است.
- ۱۶- **الحفلة**: المهرجان (جشن، جشنواره)
- ۱۷- الف) و برای (آمزش) گناهانشان استغفار کردند و جز خدا کیست که گناهان را ببخشد.
- پرسشی**: فعل «**اسْتَقْرُوا**» ماضی و فعل «**يَغْفِرُ**» مضارع است و «**مَنْ**» از کلمات پرسشی است: «چه کسی»
- ب) به این تصویرها نگاه کن تا باور کنی. / **صَدَقَ**: راست گفت / **صَدَّقَ**: یَصْدَقُ: باور کرد، باور می‌کند
ج) قطعاً این گردباد با نیرویی، ماهی‌ها را به طرف آسمان می‌کشد.
- ۱۸- مردم در کشور این روز را سالانه جشن می‌گیرند.
- ۱۹- نادرست / **القمرية** ← **الشمسية**، ایرانی‌ها اولین روز از روزهای سال قمری را جشن می‌گیرند.
- ۲۰- لطفاً گذرنامه‌هایتان را در دستانتان قرار دهید (**اجعلوا**).
- پرسشی**: با توجه به ضمیر «**كُم**» و کلمه «**رجاء**» لطفاً» فعل به صورت امر و مخاطب می‌آید.
- ۲۱- الف) **اسْتَعْلَمَ** (ماضی) ← **استعلام** (مصدر)
ب) **تتعلمون** (مضارع) ← **لا تتعلموا** (نهی)
ج) **يبتسمان** (مضارع) ← **سوف يبتسمان** (مستقبل)
د) **تغسلن** (مضارع) ← **اغسلن** (امر)
- ۲۲- الف) زمین چگونه می‌شود؟ **تصيح الأرض** مفروشه بالأسماك.
ب) این پدیده چند بار اتفاق می‌افتد؟ **تحدث هذه الظاهرة مرتين في السنة** أحياناً.
ج) مردم چه می‌گیرند؟ **يأخذ الناس الأسماك**.
د) مردم چه ملاحظه می‌کنند؟ **يلاحظ الناس غيمة سوداء عظيمة** و ...
ه) چند فعل مضارع در متن وجود دارد؟ چهار فعل مضارع وجود دارد: **تحدث، يلاحظ، تصيح، يأخذ**.
- ۲۳- به تفرقه و اختلاف دعوت می‌کند پس او **مردور** دشمن است.
- ۲۴- **سَبَّ**: دشنام داد
- ۲۵- الف) و ما موسی را با نشانه‌هایی (از قدرت و حمایت) خود فرستاده‌ایم (و به او فرمان دادیم که) قومت را از تاریکی‌های (جهل و ظلم و گمراهی) به سوی نور (ایمان و عدالت و آرامش) بیرون بیاور.
- پرسشی**: در عبارت دو فعل وجود دارد:
- فعل «**لقد ارسلنا**» ماضی نقلی است (قد + ماضی) و چون متعدی است مفعول می‌خواهد «موسی» / «**أن أخرج**» که آن نیز متعدی است و مفعول دارد: «قوم».
- ب) همه مردم باید یا یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند. / **علی** ...: باید، ضروری است، لازم است / **كل الناس**: همه مردم / **تعایشاً سلمياً**: زندگی مسالمت‌آمیز (سلم: صلح، آرامش)

- ۱- **رَفَعَ** ≠ **أَنْزَلَ**
- ۲- و به ابر بنگر پس چه کسی / از آن باران فرو فرستاد؟
- ۳- الف) گزینۀ (۲)؛ **ذَلِكَ**: آن / **أَنعم**: نعمت‌ها / **مُنهمرة**: ریزان
ب) گزینۀ (۱)؛ **إِزْحَمَ**: فعل امر، رحم کن / **مَنْ**: کسی که، کسانی که / **فِي الأَرْضِ**: در زمین / **يَزْحَمُ**: تا رحم کند / **لَئ**: به تو، با تو / **فِي السَّمَاءِ**: در آسمان
ج) گزینۀ (۲)؛ **قَامَ**: برخاست / **أَخِي**: برادرم / **مِن التَّوَمِ**: از خواب / **السَّادِسَةَ** **إِلَّا رُبْعاً**: یک ربع به شش
- ۴- ای خواهرم! شغل تو چیست؟ من (آنا) پرستارم.
- پرسشی**: در سؤال و جواب باید دقت کنید که: اگر از مخاطب سؤال شود در پاسخ متکلم می‌آید. اگر از متکلم سؤال شود، در پاسخ مخاطب می‌آید. اگر از غایب سؤال شود، در پاسخ غایب می‌آید. به عنوان مثال: شغل تو چیست؟ من پرستارم.
- ۵-



- ۶- الف) **كلاغ** **سَي** سال یا بیشتر زندگی (عمر) می‌کند.
ب) بلندی قد زرافه **شش** متر است.
- ۷- الف) به یکدیگر مهربانی کردن / گیاهان / پرندگان / درختان / چارپایان
ب) ابر / باران / برف / هم کلاسی / آسمان
ج) موزه / آزمایشگاه / کتابخانه / بیمارستان / شهروند
د) دستگاه ضبط / ساخت / جاری کرد / کاشت / مخلص شد
- ۸- **بَيَّتَة** (اسم مفرد مؤنث)، **بَيَّات** (جمع مؤنث سالم)
- ۹- الف) هر کسی کار نیک (را در قیامت) بیاورد برایش ده برابر آن هست. / **جاء**: آمد / **جاء**: به آورد
پرسشی: «**مَنْ**» اسم شرط است و بهتر است فعل جمله «**جاء ب**»، مضارع ترجمه شود (بیاورد) و جمله شرطیه نظر به حال و آینده دارد نه به گذشته.
ب) با همدیگر بخورید و پراکنده نشوید، زیرا که برکت با جماعت است. / **كُلُوا**: فعل امر جمع مذکر مخاطب، بخورید / **لا تَفَرَّقُوا**: فعل نهی جمع مذکر مخاطب، پراکنده نشوید / **مع الجماعة**: با جماعت، همراه جماعت
ج) و برادران یوسف آمدند، پس بر او (یوسف) وارد شدند و او آن‌ها را شناخت.
پرسشی: **جاء**: آمد، در این جا «آمدند» / چون فاعل به صورت جمع به کار رفته «**إخوة**: برادران» فعل نیز جمع ترجمه می‌شود «آمدند» / **إخوة**: جمع مکسر «**أخ**»، برادران / **إخوة** **يوسف**: برادران یوسف، ترکیب اضافی / **دَخَلُوا**: فعل ماضی، جمع مذکر غایب، داخل شدند، وارد شدند / **عليه**: **عَلَى** + ه، بر او / **عَرَفَ**: شناخت / **هَمَّ**: نقش مفعول را دارد، آن‌ها را
د) پروردگار! قطعاً من به خودم ستم کردم؛ پس مرا ببیامرز.
پرسشی: **رَبِّ**: در اصل «یا ربی» بوده است، ای پروردگار من / **إِنِّي**: قطعاً من / **ظَلَمْتُ**: فعل ماضی متکلم وحده، ستم کردم / **نفسی**: به خودم / **ف**: پس / **إِغْفُرْ**: فعل امر مفرد مذکر مخاطب، ببیامرز / **لي**: برای من

- ۲۶- الف) دشمن تلاش می‌کند که میان صف‌های مسلمانان ایجاد تفرقه کند.
 ب) نیکی کن، همان‌گونه که خداوند به تو نیکی کرده است.
- ۲۷- نادرست / تُلُّتُ ← حُمُسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ ... (یک‌پنجم ساکنان جهان از مسلمانان هستند).
- ۲۸- وحدت امت اسلامی در شکل‌های زیادی جلوه‌گر می‌شود (یتجلی).
نبرسی: چون فاعل «اتِّحَادُ» مذکر است، فعل مذکر و مفرد می‌آید «یتجلی».
- ۲۹- الف) مضارع: تُحَاوِلُ / مصدر: مُحَاوَلَةٌ / امر: حَاوِلْ / نفی: لَا تُحَاوِلْ
 ب) ماضی: تَقَاعَدَ / مصدر: تَقَاعَدُ / امر: تَقَاعَدْ / مستقبل: سَتَتَقَاعَدُ، سَوْفَ تَتَقَاعَدُ
 ج) امر: قَبِّلِي / مصدر: تَقَبَّلْ / مضارع: تَقَبَّلِينَ / نفی: لَا تَقَبَّلِينَ



۵- الف) و زمانی که بندگانم درباره من از تو بپرسند قطعاً من (به آن‌ها) نزدیکم. / إذا: زمانی که / سألك: از تو پرسید، چون فعل ماضی بعد از «إذا» قرار گرفته است، مضارع ترجمه می‌شود «از تو بپرسند». / عبادی: بندگان من
 ب) پس آنان وارد بهشت می‌شوند و اصلاً مورد ظلم واقع نمی‌شوند. / اولئك: آنان، اسم اشاره جمع برای دور / لا يُظلمون: فعل مضارع منفی مجهول
 ج) بخوان و پروردگارت گرامی‌ترین است، همان که به وسیله قلم آموخت. / اقرأ: فعل امر، بخوان / ربك الأكرم: ترکیب اضافی و وصفی، پروردگارت گرامی‌تر است / بالقلم: به وسیله قلم
 د) بر شماست پایبندی به صفات برتر اخلاقی، زیرا پروردگارم مرا به خاطر آن فرستاده است. / علیکم: بر شماست، شما باید / مکارم الأخلاق: کرامت‌های اخلاقی، صفات برتر اخلاقی / بها: به خاطر آن / بعثتی: مرا فرستاد
 ه) کیست این کسی که آن را به وجود آورد / در آسمان مانند پاره آتش / من: واژه پرسشی، چه کسی / ذا: این / أوجدتها: آن را ایجاد کرد / الشررة: پاره آتش
 و) تعداد همراهان شش‌تاست: من، پدر و مادرم، دو خواهرم و دو برادرم. / المرافقين: همراهان / والداي، در اصل (والدان + ی) بوده است. همین‌طور است «أختای» و «أخوای» که نون مثنای آن‌ها حذف شده است.

نکته هرگاه اسم مثنی به اسمی اضافه شود، نون (ن) آن حذف می‌شود.

ز) برادر کوچکم از کار بدش پشیمان شد و من عذر او را پذیرفتم. / ندم: پشیمان شد / أخي الصغیر: ترکیب اضافی - وصفی، برادر کوچکم / عمله السبی: ترکیب اضافی - وصفی، کار بدش / عذرت: عذر پذیرفتم

ح) زبان گربه، اسلحه‌ای طبی است، زیرا پر از غده‌هایی است که مایعی ضد عفونی‌کننده ترشح می‌کند. / القطة: گربه / مملوءة: سرشار، پر / تفرغ: ترشح می‌کند / سائلاً مطهراً: ترکیب وصفی، مایعی پاک‌کننده (ضد عفونی‌کننده)

ط) ذوالقرنین آن‌ها را نپذیرفت و گفت: بخشش خداوند از بخشش دیگران بهتر است. / رفض: فعل ماضی متعدی، نپذیرفت / ها: مفعول، آن‌ها را / ذوالقرنین: فاعل / عطاء الله: ترکیب اضافی، بخشش خداوند / خیر: خبر، خیر است.

ی) در یک دانشنامه علمی خواندم که دانشمندان تأکید می‌کنند که دلفین‌ها می‌توانند صحبت کنند. / موسوعة علمية: ترکیب وصفی، دانشنامه علمی / یؤكدون: تأکید می‌کنند

۶- الف) گزینه (۱): نظرت الوليد: ترکیب اضافی، نگاه فرزند / والدیه: پدر و مادرش / حباً: به خاطر عشق، از روی عشق

ب) گزینه (۱): حسن الأدب: ترکیب اضافی، ادب خوب، ادب نیکو / یستر: می‌پوشاند / فیح النسب: ترکیب اضافی، نسبت بد، نسبت بد

ج) گزینه (۱): عداوة: دشمنی / صداقة: دوستی

د) گزینه (۲): سحب: کشید / الإعصار: فاعل، گردباد / الأشياء الصغيرة: ترکیب وصفی، چیزهای کوچک

۷- الف) ناگهان چیزی مرا با نیرویی به طرف بالا بلند کرد.

ب) خدایا، به من سود برسان با آن‌چه به من آموختی.

ج) می‌خواهم که فیلمی علمی ببینم.

د) ای راننده، می‌خواهیم به شهر کوفه برویم.

۸- الف) نان از آرد درست می‌شود. (درست)

ب) مردود کسی است که در امتحانات موفق نشده است. (درست)

۹- الف) ماضی «یجادل» ← جادل (در باب مفاعلة)

ب) مصدر «تقاعد» ← تقاعد (در باب تفاعل)

ج) نهی «تقبلن» ← لا تقبلن

د) نفی «یتعاملون» ← لا یتعاملون

۱۰- الف) مضارع: یتعلمون / مصدر: تعلم / ترجمه: یاد بگیرید

ب) ماضی: اجتمعت / نهی: لا تجتمع / امر: اجتمع

ج) مضارع: تشارک / مصدر: مشارکة / ترجمه: مشارکت کرد

د) ماضی: علمت / مضارع: تعلم / نهی: لا تعلم

۱۱- أنصتوا (فعل امر باب إفعال) / خلق (فعل ماضی مجهول) / ترحمون (فعل مضارع مجهول) / کم (ضمیر متصل)

۱۲- الف) إرحموني ← فعل ماضی نیست، بلکه فعل امر است.



آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

- ۱- الف) اردک، پرنده‌ای زیبا است.
 ب) دانش، شکار است و نوشتن (آن) بند است.
 ۲- الف) خفاش لانه‌اش را در دیوار خانه‌ای قدیمی می‌سازد.
 ب) پیش کارمند مخابرات می‌روم.
 ۳- الف) شریحه: سیم کارت
 ب) آراد: شاة
 ج) عداة ≠ عشية
 د) أحبة: مفرد آن ← حبيب
 ۴- الف) حرف جر / حرف جر / حرفی که پیش از مضارع می‌آید ✓ / حرف جر
 ب) حرف عطف / حرف عطف ✓ / حرف جر / حرف جر
 ج) حرف عطف ✓ / حرف جر / حرف جر / حرف جر
 د) حرف عطف / حرف عطف / حرف عطف / حرف جر ✓
نکته حرف‌های «و، ف، ثم ...» حروف عطف و حرف‌های «أن، لئن» حروف ناصبه (نصب‌دهنده) فعل مضارع و حرف‌های «فی، إلی، علی، بی، ک، من، لی» حروف جازه (جَزدهنده) هستند.
پرسشی حرف جر پیش از اسم می‌آید و اسم را مجرور می‌سازد و حروف جر عبارت‌اند از:
 «فی، إلی، علی، من، عن، ی، ل، لک»
 حروف عطف باعث ربط و اتصال دو کلمه «اسم و اسم» یا «فعل و فعل» می‌شود و عبارت‌اند از: و، ف، ثم (سبب)
 حرف «أن» به معنی «که» پیش از فعل مضارع می‌آید و به مضارع التزامی تبدیل می‌کند: یکتب: می‌نویسد (مضارع اخباری) ← أن یکتب: که بنویسد (مضارع التزامی)

- ب) لا تُحَيِّرُنِي ← فعل نفي نیست، بلکه فعل نهی است.
- ج) اُنُوف ← اسم مفعول نیست، چون بر وزن «مفعول» و «مُد...عَف» نیامده است.
- د) الکافرین ← جمع مکسر نیست، بلکه جمع مذکر سالم است. (الکافر + ین)
- ۱۳- الف) الثامنة و الرّبع (هشت و ربع)
- ب) الثانیة عشرة و النّصف (دوازده و نیم)
- ۱۴- ۱) الوکُز / بیت الطّیور (لانه)
- ۲) الهجرّ / ابتعاذ الصّدیق عن صديقه أو الرّوح عن زوجته (جدایی، دوری)
- ۳) الشّمس (خورشید) / این واژه اضافی است.
- ۴) السّوارّ / زینة من الدّهب في يد المرأة (دستبند)
- ۵) الملیحّ / هو الَّذي له حركاتٌ جميلةٌ و کلامٌ جميلٌ (بانمک)
- ۱۵- الف) دوست انسان در دریاها کیست؟ الدّلفین صديق الانسان فی البحار. (دلفین دوست انسان در دریاها است.)
- ب) شنوایی دلفین چه طور است؟ سَمِعُهُ يفوق سَمَع الانسان عشر مرّات. (شنوایی آن ده بار از شنوایی انسان بیشتر است.)
- ج) اعضای خانواده چه چیزی را می بینند؟ يُشاهد أعضاء الأسرة فلماً رائعاً عن الدّلفین. (اعضای خانواده فیلم جالبی در مورد دلفین می بینند.)
- د) وزن دلفین چه قدر است؟ وزنه يبلغُ ضِعْفی وزن الانسان تقريباً. (وزن آن تقریباً به دو برابر وزن انسان می رسد.)
- ه) أعضاء (فاعل)، الأسرة (مضاف‌الیه)، فلماً (مفعول)، رائعاً (صفت)



درس نامه توپ برای شب امتحان

د اسم اشاره: اسمی است که برای اشاره کردن به کار می‌رود و دارای دو نوع نزدیک (القريب) و دور (البعيد) است.

مفرد	مثنی	جمع	
هذا	هذان - هذين	هؤلاء	إشارة للقريب (اشاره به نزدیک)
هذه	هاتان - هاتين	هؤلاء	
معنی	(این دو)	(این‌ها)	
ذلك	—	أولئك	إشارة للبعيد (اشاره به دور)
تلك	—	أولئك	
معنی	(آن)	(آن‌ها)	

ه کلمات پرسشی

أ	هل	من	ما	أين	متى	كيف	كم	لم (لماذا)
آیا	آیا	چه کسی	چه چیزی	کجا	چه زمان	چگونه	چند، چه قدر	چرا

و اعداد: به دو گروه تقسیم می‌شوند:

1 اعداد اصلی: که بیانگر تعداد هستند.

2 اعداد ترتیبی: که بیانگر ترتیب و رتبه هستند (که در فارسی با پسوند «م» یا «مین» و در عربی بر وزن «الفاعل» یا «الفاعلة» به کار می‌روند).

اعداد اصلی: یک تا دوازده	
هفت: سبعة	یک: واحد
هشت: ثمانية	دو: اثنان
نه: تسعة	سه: ثلاثة
ده: عشرة	چهار: أربعة
یازده: أحد عشر	پنج: خمسة
دوازده: اثنا عشر	شش: ستة

اعداد ترتیبی: یکم تا دوازدهم	
هفتم: السابع / السابعة	یکم: الأول / الأولى
هشتم: الثامن / الثامنة	دوم: الثاني / الثانية
نهم: التاسع / التاسعة	سوم: الثالث / الثالثة
دهم: العاشر / العاشرة	چهارم: الرابع / الرابعة
یازدهم: الحادي عشر / الحادية عشرة	پنجم: الخامس / الخامسة
دوازدهم: الثاني عشر / الثانية عشرة	ششم: السادس / السادسة

درس اول: قواعد عربی هفتم، هشتم و نهم

الف علامت‌ها: فتحه / كسره / ضمه / سکون / تنوين /

ب اسم از نظر عدد: در عربی هر اسمی بیانگر تعداد خاصی است که عبارت‌اند از: مفرد (یکی)، مثنی (دوتا) و جمع (بیشتر از دوتا).

گفته

1 علامت مثنی (ان - ين) هم برای مذکر و هم برای مؤنث استفاده می‌شود.

البته علامت مؤنث (ة) در مثنی تبدیل به «ت» می‌شود.

مثال

مدرسة ← مدرستان، مدرستين

2 جمع سالم: جمعی است که روش ساختن آن، اضافه کردن نشانه جمع (ون - ين - ات) به انتهای اسم مفرد است.

مثال

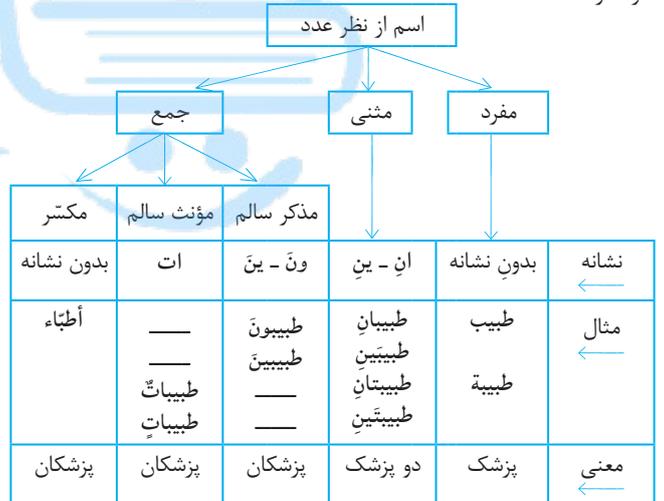
عارف ← عارفون، عارفين / عارفة ← عارفات

3 جمع مکسر: جمعی است که روش و نشانه خاصی ندارد و فقط براساس شنیده‌ها یاد گرفته می‌شود و در آن، شکل و نظم ظاهری اسم مفرد تغییر می‌کند.

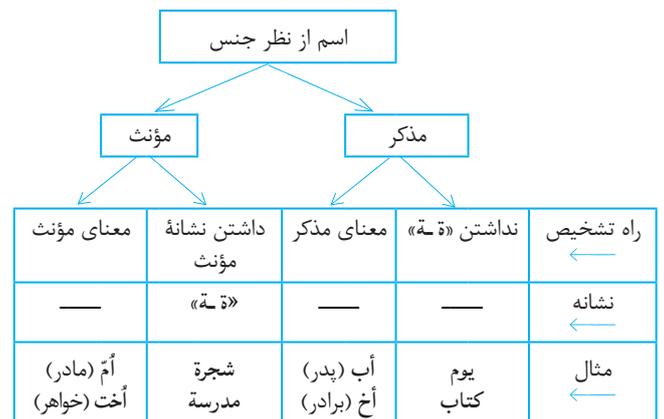
مثال

عارف ← عرفاء

4 آیا همه اسم‌های مفرد، حتماً دارای جمع مکسر هستند؟ خیر، بعضی از اسم‌ها جمع مکسر ندارند.



ج اسم از نظر جنس: در عربی هر اسمی، یا مذکر محسوب می‌شود و یا مؤنث. البته دلیل مؤنث بودن در بعضی از اسم‌ها داشتن علامت مؤنث (ة) است (مانند: مزرعة) و در بعضی، داشتن معنای مخصوص مؤنث‌ها (مانند: أم: مادر).



فعل‌ها:

ماضی	دَخَلَ [وارد شد]
ماضی منفی ما + ماضی	ما دَخَلَ [وارد نشد]
مضارع	يَدْخُلُ [وارد می‌شود]
مضارع منفی لا + مضارع	لا يَدْخُلُ [وارد نمی‌شود]
مستقبل (آینده) سَدَ / سَوْفَ + مضارع	سَيَدْخُلُ [وارد خواهد شد] سَوْفَ يَدْخُلُ [وارد خواهد شد]
نهی لا + مضارع مجزوم	لا تَدْخُلُ [وارد نشو]
امر مضارع مجزوم با حذف «ت» و جایگزینی «ا»	اَدْخُلُ [وارد شو]

در ساختن امر و نهی، منظور از «مضارع مجزوم» چیست؟

برای ساختن فعل امر و نهی باید در انتهای فعل مضارع تغییراتی ایجاد کنیم، که شامل این موارد می‌شود:

۱) اگر در آخر فعل، ضمه (ـُ) داشتیم به سکون (ـَ) تبدیل کنیم.

مثال: تَجَلَّسَ — لا تَجَلَّسْ

۲) «ن» را از آخر فعل، حذف کنیم به شرط این که قبلش یکی از سه حرف «و-ا-ی» باشد.

مثال: تَجَلَّسُونَ - تَجَلَّسَانِ - تَجَلَّسِينَ — لا تَجَلَّسُوا - لا تَجَلَّسَا - لا تَجَلَّسِي

۳) در جمع مؤنث حرف «ن» شرط گفته شده را ندارد، پس حذف نمی‌شود.

مثال: تَجَلَّسْنَ — لا تَجَلَّسْنَ

تذکره: تفاوت «لا» در فعل نهی و نفی چیست؟ (تفاوت لای نهی و نفی) با به کار بردن «لا» در نهی باید انتهای فعل را تغییر دهیم (لا تَجَلَّسْنَ: ننشین). ولی با به کار بردن «لا» در نفی انتهای فعل هیچ تغییری نمی‌کند (لا تَجَلَّسْنَ: نمی‌نشین).

بنابراین روش ساختن فعل نهی: لا (لای نهی) + مضارع مجزوم

روش ساختن فعل امر

فعل امر فقط از صیغه‌های دوم شخص مفرد و جمع در مضارع ساخته می‌شود البته با انجام سه مرحله:

۱) حذف «ت» از ابتدای فعل مضارع (دوم شخص)

۲) جایگزین کردن «ا» به جای حرف حذف شده «ت» البته به شرط این که حرف بعد از «ت» ساکن باشد (اگر ساکن نبود، نیازی به جایگزین کردن «ا» نیست). علامت «ا» به علامت حرف دوم ریشه بستگی دارد: اگر حرف دوم ریشه، ضمه داشت به «ا» ضمه می‌دهیم، اگر فتحه یا کسره داشت فقط کسره می‌دهیم: — اُ — اَ — یا — اِ —

۳) انتهای فعل را به روش گفته شده تغییر می‌دهیم (یعنی مجزوم می‌کنیم).

مثال:

تَجَلَّسْ (می‌نشین) — اَجْلِسْ (بنشین)

تَجَلَّسِي (می‌نشینی) — اَجْلِسِي (بنشین)

تَجَلَّسُونَ (می‌نشینید) — اَجْلِسُوا (بنشینید)

تَجَلَّسَانِ (می‌نشینید) — اَجْلِسَا (بنشینید)

تَجَلَّسِينَ (می‌نشینید) — اَجْلِسِي (بنشینید)

ط) آشنایی با صیغه (شخص) و صرف فعل‌های ماضی و مضارع

در فارسی، فعل‌ها و ضمیرها برای شش شخص (شش حالت) به کار می‌رود. شخص در عربی، «صیغه» نامیده می‌شود.

فعل مضارع	فعل ماضی	ضمیر پیوسته	شخص یا صیغه در عربی	شخص یا صیغه در فارسی
أَفْعَلُ (انجام می‌دهم)	فَعَلْتُ (انجام دادم)	ي [ـم]	متكلم وحده	اول شخص مفرد (من) أنا
تَفَعَّلُ (انجام می‌دهی)	فَعَلْتُ (انجام دادی)	كَ [ـت]	مخاطب مفردمذكر	دوم شخص مفرد (تو) أنت
تَفَعَّلِينَ (انجام می‌دهی)	فَعَلْتِ (انجام دادی)	كَ [ـت]	مفردمؤنث	(تو) أنتِ
يَفْعَلُ (انجام می‌دهد)	فَعَلَ (انجام داد)	هـ / هـ [ـش]	غائب مفردمذكر	سوم شخص مفرد (او) هو
تَفَعَّلُ (انجام می‌دهد)	فَعَلْتُ (انجام داد)	ها [ـش]	مفردمؤنث	(او) هي
تَفَعَّلُوا (انجام می‌دهیم)	فَعَلْنَا (انجام دادیم)	نا [ـمان]	متكلم مع الغير	اول شخص جمع (ما) نحن
تَفَعَّلُونَ (انجام می‌دهید)	فَعَلْتُمْ (انجام دادید)	كُمْ [ـتان]	مخاطب جمع مذكر	دوم شخص جمع انتُمْ
تَفَعَّلْنَ (انجام می‌دهید)	فَعَلْتُنَّ (انجام دادید)	كنَّ [ـتان]	جمع مؤنث	انتُنَّ (شما)
تَفَعَّلَانِ (انجام می‌دهید)	فَعَلْتُما (انجام دادید)	كُما [ـتان]	مثنی مذكر مثنی مؤنث	أنتما أنتما
يَفْعَلُونَ (انجام می‌دهند)	فَعَلُوا (انجام دادند)	هُم [ـشان]	غائب جمع مذكر	هُم
يَفْعَلْنَ (انجام می‌دهند)	فَعَلْنَ (انجام دادند)	هُنَّ [ـشان]	جمع مؤنث	هُنَّ (آن‌ها)
يَفْعَلَانِ (انجام می‌دهند)	فَعَلَا (انجام دادند)	هُما [ـشان]	مثنی مذكر	هُما
تَفَعَّلَانِ (انجام می‌دهند)	فَعَلْنَا (انجام دادند)	هُما [ـشان]	مثنی مؤنث	هُما

ی) فعل ماضی استمراری

هرگاه یکی از فعل‌های خانواده «کان» (کان - کانا - کانوا - کانت - کانتا و ...) کمی قبل تر از یک فعل مضارع بیاید، این دو فعل را در فارسی به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌کنیم.

مثال: كان الطلاب يذهبون: دانش‌آموزان می‌رفتند.

البنات كانت تكتبان: دو دختر، می‌نوشتند.

كانوا يكتبون: می‌نوشتند. (التمرین الاول (صفحة ۶ کتاب درسی))

ک) حروف اصلی / وزن

سه حرف اصلی کلمات را «ریشه» می‌نامیم. مانند ریشه «دخ ل» در «أَدْخَلَ، تَدْخُلُ، دَخِلَ، مُدَاخَلَةٌ». با جایگزین کردن سه حرف «ف ع ل» به جای ریشه کلمات می‌توانیم وزن آن‌ها را به دست آوریم (وزن، همان آهنگ و ریتم کلمه است).

مثال: أَخْرَجُ بر وزن أَفْعُلُ / جَمِيلٌ بر وزن فَعِيلٌ.

تذکر در مورد وزن «فَاعِلٌ» و «مَفْعُولٌ»:



○ وزن «فاعل» بیانگر «انجام‌دهنده یا دارنده حالت» است.

مثال: «خالق: آفریننده» و «عالم: دانا»

○ وزن «مفعول» بیانگر «انجام‌شده» است.

مثال: «مخلوق: آفریده‌شده» و «معلوم: دانسته‌شده»

ن ترکیب وصفی (موصوف و صفت)

در عربی معمولاً اگر دو اسم پشت سر هم قرار گیرند و هر دو «ال» داشته باشند و یا هر دو بدون «ال» باشند و علامت انتهای هر دو، یکسان باشد، موصوف و صفت به حساب می‌آیند.

مثال: الدَّرْسُ السَّهْلُ طَالِبًا شَجَاعًا

موصوف صفت موصوف صفت

[درس آسان] [دانش‌آموزی شجاع]

م ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه)

در عربی هرگاه دو اسم پشت سر هم قرار گیرند و اسم اول، «ال» و تنوین نداشته باشد و اسم دوم علامتش مجرور (-ِ ...) باشد، معمولاً مضاف و مضاف‌الیه به حساب می‌آیند.

مثال: دَرَسَ التَّلْمِيزَ طَالِبَ مَدْرَسَةٍ

مضاف مضاف‌الیه مضاف مضاف‌الیه

[درس دانش‌آموز] [دانش‌آموز مدرسه‌ای]

ن ترکیب سه کلمه‌ای (اسم + ضمیر متصل + اسم «ال» دار)

در این نوع ترکیب سه کلمه‌ای، ضمیر را بعد از اسم «ال» دار (کلمه سوم) ترجمه می‌کنیم.

مثال: كِتَابُكَ الْمَفِيدُ: كتاب مفيد تو / رَبِّي الْعَظِيمُ: پروردگار بزرگ من

س بیان ساعت

در عربی برای بیان ساعت به ترتیب زیر عمل می‌کنیم:

ساعت کامل ← از اعداد ترتیبی بر وزن «الفاعلة»

نیم ← «النصف»

یک ربع مانده به ... ← «إلّا ربعاً»

مثال: ساعت هفت: السَّاعَةُ السَّابِعَةُ

هفت و نیم: السَّابِعَةُ وَ النِّصْفِ

یک ربع مانده به هفت: السَّابِعَةُ إِلَّا رُبْعًا

ع یادآوری رنگها (الألوان)

أَحْمَرٌ (سبز) / أَحْمَرٌ (سرخ) / أَرْزَقٌ (آبی) / أَصْفَرٌ (زرد) / أَبْيَضٌ (سفید) / أَسْوَدٌ (سیاه) / بَيْتَسَجِي (بنفش)

ف یادآوری روزهای هفته (أيام الأسبوع)

السَّبْتُ (شنبه) / الأَحَدُ (یکشنبه) / الإِثْنَيْنِ (دوشنبه) / الثَّلَاثَاءُ (سه‌شنبه) / الأَرْبَعَاءُ (چهارشنبه) / الخَمِيسِ (پنج‌شنبه) / الجُمُعَةُ (جمعه)

ض وعده‌های غذایی

الْفَطْوْر: صبحانه / القَدَاء: ناهار / العِشَاء: شام

کلمات و عبارات مهم

فعلها

تَمَّتْ: رشد کرد
إِئْتَحَتْ: جست‌وجو کن
أَوْجَدَ: پدید آورد
زَانَ: زینت داد
قُلُّ: بگو
يَدْوُرُ: می‌چرخد
صارت: شد، گردید
يُخْرَجُ: درمی‌آورد
أَنْزَلَ: نازل کرد
جَهَّزَ: مجهز کرد
كَمَّلَ: کامل کن

سایر کلمات و عبارات

جذوة: پاره آتش
حبة: دانه
ضياء: روشنی
شَرَّة: اخگر (پاره آتش)
ذات: دارای
مُسْتَعْرَة: فروزان

بالغ: کامل

الغيم: ابر

مُرَاجَعَة: دوره‌کردن

ذو: دارای

النَّضْرَة: تروتازه

ذات: این (هذا)

النُّسْتَان: لباس زنانه

مُسْتَعِينًا: به کمک

ذات العُصُونِ النَّضْرَة: دارای شاخه‌های تروتازه

زائنه بأنجم: آن را با ستارگانی زینت داد.

أنعمه مئهمرة: نعمت‌هایش، ریزان است.

قدرة مقتدرة: قدرتی توانا

كالذَّرِ المنتشرة: مانند مرواریدهای پراکنده

جَعَلَ الظُّلَمَاتِ وَ النَّوْرِ: تاریکی‌ها و روشنی را قرار داد.

کلمات حواری گفت‌وگو

أحد الموظفين: یکی از کارمندان

قاعة المطار: سالن فرودگاه

مع الأسف: متأسفانه

أن أسافر: که سفر کنم

التعارف: آشنایی با یکدیگر



مترادف	
أَوْجَدَ = خَلَقَ	نام = رَقَدَ
پدید آورد = آفرید	خوابید = خوابید
النَّضْرَة = الطَّارِجُ	جذوة = شرة
تروتازه = تازه	پاره آتش = پاره آتش
ضياء = نور	بالغ = کامل
روشنی = نور	کامل = کامل
الغيم = السحاب	مُجِدَّ = مُجْتَهِد
ابر = ابر	تلاشگر = تلاشگر
كوكب = نجم	
ستاره = ستاره	

متضاد	
يمين ≠ يسار	نهایه ≠ پدایه
راست ≠ چپ	پایان ≠ آغاز
مسموح ≠ ممنوع	مسرور ≠ حزین
مجاز ≠ ممنوع، غیرمجاز	شاد ≠ غمگین
جميل ≠ قبيح	السَّمَاءُ ≠ الأرض
زیبا ≠ زشت	آسمان ≠ زمین
ناجح ≠ راسب	اللَّيْلُ ≠ النَّهَارُ
قبول ≠ مردود	شب ≠ روز
الظُّلْمَة ≠ النُّورُ	الدُّنْيَا ≠ الآخرة
تاریکی ≠ روشنی	دنیا ≠ آخرت
قريب ≠ بعيد	غالبية ≠ رخيصة
نزدیک ≠ دور	گران ≠ ارزان
قليل ≠ كثير	عَدُوٌّ ≠ صديق
کم ≠ زیاد	دشمن ≠ دوست
شراء ≠ بيع	
خریدن ≠ فروختن	